جلسه 209

سه شنبه 10/02/87

أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.

در شرط متأخر در مثل صوم مستحاضه که مشروط است به غسل در شب بعد بنابر قول بعض فقهاء، حضرت امام یک مطلبی دارند، فرموده اند: یکوقت بحث عرفی است، که مشکلی ندارد. عرف الان می گوید صوم متقدم است بر غسل و قبل از غسل است پس صحیح است. یکوقت بحث عقلی است. بحث عقلی مشکل پیش می شود. چطور می تواند قبل از وجود غسل در شب این صوم در روز عنوان متقدم را پیدا کند. عنوان متقدم با عنوان متأخر متضایفان هستند. تا غسل در شب نیاید عقلا اضافه برقرار نمی شود بین این غسل و بین این صوم در روز تا عنوان متقدم را ما بر این صوم عقلا منطبق کنیم. چون تقدم و تأخر از مقوله اضافه است. اضافه محتاج است به طرفین. باید غسل در شب موجود باشد، صوم در روز هم موجود باشد، تا عقلا بین اینها اضافه برقرار بشود. بحث عرف بی سواد نیست، بحث عقل با سواد است. معقول نیست که بدون وجود غسل در شب اضافه برقرار بشود بین الغسل و الصوم و عنوان اضافی تقدم الصوم محقق بشود.

بعد ایشان فرموده اند: ولی می شود ما مشکل را عقلا هم حل کنیم. و آن راه این است که اگر عنوان تقدم شرط باشد، شرط صوم عنوان تقدم او است بر غسل شب، معقول نیست که این عنوان تقدم عقلا الان موجود باشد. پس اشکال می شود که چطور الان این صوم صحیح است. در همان روز این صوم صحیح است در حالی که صحت معلول این است که شرط این صوم محقق باشد. شرط این صوم عقلا محقق نیست اگر شرط عنوان تقدم باشد. عقلا محقق نیست نه عرفا. عقلا عنوان تقدم برای این صوم در روز محقق نیست فکیف یحکم بصحة هذا الصوم فی النهار قبل تحقق الغسل فی اللیل. با اینکه شرط صحت تحقق عنوان تقدم الصوم است علی الغسل.

امام قده فرموده: راه حل این است که بگوئیم عنوان تقدم شرط نیست بلکه واقع التقدم شرط است. نگوئید خلاف ظاهر ادله است. امام می گوید من دارم بحث عقلی می کنم برای تصحیح یک مطلب، شما بحث عوامی نکنید. اینکه خلاف ظاهر ادله است این یک بحث عرفی است. ما می گوئیم عقلا راه حل این است که واقع التقدم شرط باشد. تقدم ذاتی شرط باشد نه تقدم عنوانی. یعنی چه تقدم ذاتی؟

امام قده فرموده اند: امور غیر قاره بالذات مثل حرکت، زمان، جزء اولش بر جزء دومش تقدم بالذات دارد. همین حرکت را در نظر بگیرید، کسی که از ابتداء مدرسه می آید تا این اتاق. آن گام اولش تقدم بالذات دارد بر گام بعدی. ولو هنوز گام بعدی موجود نشده است. بحث تقدم بالذات است. جزء اول زمان هم تقدم بالذات دارد بر جزء دوم زمان. امروز تقدم بالذات دارد بر امشب. عنوان تقدم که از مقوله اضافه است بله او با عنوان تأخر متضایفین هستند و عقلا تا شب موجود نشود امروز متصف به عنوان تقدم نیست. اما تقدم بالذات و واقع تقدم را دارد ولو هنوز شب نیامده است.

خب شما می گوئید چه ربطی به صوم دارد؟ امروز تقدم بر ذات دارد بر امشب.

امام قده می فرماید: زمان از مشخِّصات وجود فعل است. صوم امروز مشخِّص وجودی اش امروز است. به تبع امروز صوم امروز بر غسل امشب تقدم بالذات پیدا می کند. و اگر شرط صحت صوم تقدم بالذات باشد الان هم این صوم شرط را دارد و صحیح هم هست.

اقول: به نظر این فرمایش حضرت امام ره ناتمام است.

اولا: صحت امر انتزاعی است. در معاملات صحت مجعول شرعی است. اعتبار می کند شارع صحت بیع را، صحت صلح را. اما در عبادات صحت عبادت مجعول نیست بلکه انتزاع می شود از انطباق مأموربه بر مأتی به. این صوم الان صحت تأهلیه دارد یعنی یصلح أن یلحق به غسل اللیل فینتزع منه عنوان الصحة الفعلیة. ولی الان صحت تأهلیه دارد. مثل اینکه شما می گوئی الله اکبر، این نمازی که شروع می کنی صحت تأهلیه دارد. این جعل شرعی نیست این انتزاع است. وقتی نمازت تمام شد آنوقت می گویند این نمازت صحیح فعلی است. او هم حکم شرعی نیست.

پس اصلا چه اشکالی دارید که می گوئید صحت بر این صوم چطور مترتب شد با اینکه هنوز عنوان تقدم عقلا موجود نشد. آن چیزی که الان عنوان صحت انتزاع می شود عنوان صحت تأهلیه است که لو التحق به الغسل فی اللیل لصار صحیحا فعلا.

سؤال وجواب: مأموربه که عرض کردیم یک عنوان مقید است. الصوم المشروط بالغسل فی اللیل. چون هنوز شرط حاصل نیست صحیح فعلی از این صوم انتزاع نمی شود. این انتزاع است والا چیزی نیست در خارج غیر از این صوم، وشب هم غسل. ما چیزی به نام صحت نداریم تا بگوئیم صحت از کجا آمد. از هر کجا آمد ما چکارش داریم. اصلا صحت چیست که بیاید؟! ما الان انتزاع می کنیم صحت تأهلیه را از این صوم. صحت فعلیه بله ندارند. می گویند غسل بکن تا صحت فعلیه پیدا بشود. اصلا صحت فعلیه یعنی چی؟ اصلا صحت فعلیه یک امر انتزاعی است. یعنی وقتی در شب غسل کرد آنچه از او خواسته بودند انجام داد.

سؤال وجواب: کلام در این است که چون عنوان تقدم برای این صوم هست، چون در شب غسل خواهد کرد. پس الان این صوم می شود متقدم بر آن غسل. اگر غسل نکند در شب، که این صوم متقدم نمی شود بر این غسل. پس باید امشب غسل بکند تا کشف کنیم صوم امروزش متصف بوده به عنوان تقدم. امام ره می فرماید این عرفی است. ولی عقلا باید بگوئیم اگر امشب غسل کند این صومش می شود متقدم بالذات به تبع اینکه امروز تقدم بالذات دارد بر شب. خب شرطش این است که شب بیاید. اگر فرض کنید همین امشب آخر الزمان بشود و صور اسرافیل دمیده بشود، امروز تقدم بالذاتی هم ندارد، چون شبی در کار نیست. فرض کنید اگر شبی بود، الان امروز تقدم بالذات دارد. ولذا امام می فرماید الان تقدم بالذات دارد روز، صوم فی النهار هم بالتبع تقدم بالذات دارد، والان شرط حاصل است عقلا.

سؤال وجواب: ایشان می گویند عقلا بخواهیم تصحیح کنیم راهش این است. اگر عرفا بخواهید تصحیح کنید بگوئید عنوان تقدم الصوم علی الغسل عرفا هست، اما اگر بخواهید عقل را معیار قرار بدهید و بحث فلسفی کنید باید مسأله تقدم بالذات را مطرح کنید.

این اشکال اول ما است که صحت اصلا چیزی نیست، انتزاع است از مطابقت مأتی به با مأموربه.

سؤال وجواب: آثار صحت باید ببینیم ظاهر ادله چیست. یکی از آثار صحت این است که اکرم الصائم. عرف می گوید این صائم است دیگر، و فرض این است که صومش صحت تأهلیه هم که دارد، و می دانیم که شب هم که غسل خواهد کرد، اکرم الصائم شاملش می شود. دیگر دنبال چه هستید؟ اما صحت این صوم یک امر واقعیه است. نه اینکه ببینیم معلول شرط است و هنوز شرط محقق نشده باشد چه بکنیم تا بعد برویم دنبال چاره. اصلا صحت چیست که معلول شرط باشد.

ثانیا: جناب حضرت امام! کار نداریم که صوم عدمی است (ترک المفطرات عن نیة) اصلا ما می گوئیم صوم هم شبیه جلوس فی النهار امر وجودی است. اما تا این زن در شب غسل نکند خودتان هم قبول کردید که صوم در نهار متقدم بالذات نیست. تصریح می کنید. پس چه جور می گوئید که شب هم نیامده الان روز است این صوم تقدم بالذات دارد. در حالی که تا غسل در شب نیاید خودتان هم قبول دارید که این صوم تقدم بالذات پیدا نمی کند.

سؤال وجواب: تقدم بالذات یعنی واقع التقدم یعنی عنوان انتزاعی تقدم. عنوان انتزاعی تقدم را که امام قده گفت محال است عقلا تا شب نشود و این زن غسل بکند عنوان انتزاعی تقدم را برای صوم انتزاع کنید عقلا. عرف بی سواد این کار را می کند بکند. ما می گوئیم واقع تقدم بالذات هم همین است. تا آن گام بعدی نیاید گام قبلی شما تقدم بالذات ندارد. بر چه چیزی تقدم بالذات دارد؟ اول باید گام بعدی را در نظر بگیرید و وجود پیدا کند تا بعد بگوئیم آن گام قبلی تقدم بالذات دارد بر او. تقدم بالذات هم مثل تقدم بالعنوان به نظر ما مشروط است به تحقق آن جزء وشرط متأخر.

ثالثا: ما یک عرض فلسفی داریم، اصلا زمان امر وهمی است. روز تقدم دارد بر شب یا جزء اول زمان متقدم است بر جزء دوم زمان. اصلا زمان چه چیزی هست؟ به یک آقایی گفتند شب ایستاده آب نخور عقلت کم می شود، گفت عقل چی هست؟ گفتند خب بخور. اصلا زمان چی هست؟ زمان یک امر وهمی است. آن چیزی که فلاسفه در حکمت متعالیه تلاش کرده اند برای زمان یک واقعیتی درست کنند از حرکت جوهری است. گفته اند حرکت جوهری هر جوهری از قوه به فعل این منشأ انتزاع زمان است. ولذا خدا زمان ندارد. مجردات زمان ندارند. بله سیب زمان دارد که یک زمانی سبز است بعد زرد می شود بعد قرمز می شود، این تحول در عرض کیف کشف می کند تحول در جوهر سیب را. چرا؟ برای اینکه اعراض از مراتب جوهر هستند. محال است عرض تحول پیدا کند بدون تحول جوهر.

فقط زمان شد منتزع از حرکت جوهر. این حرکت جوهری هم مختص به جواهر است. و این حرکت جوهری هم بطور عام برهان ندارد. این طلائی که چه بسا اگر این طلا بماند برهان عقلی که ندارد به همین شکل تا آخر می ماند. نه زردتر می ماند، نه سفیدتر می شود. خودش باشد تا آخر به همین حالت می ماند. بله می توانیم این طلا را از زمین برداریم بگذاریم در جیب شما. اینکه کشف از حرکت جوهری نمی کند. اینکه بگوید این طلا درونش در حال حرکت است، این چه دلیلی دارد.

پس به نظر ما این فرمایشات بحث را حل نمی کند.

(ما اینها را به عنوان ما یمکن أن یقال می گوئیم ولذا نمی خواهیم خیلی روی آن پافشاری کنم. یک إن قلت طلبگی است. حالا کسانی که دنبال این بحث ها هستند بروند دنبال بکنند. و الا عمده بحث قبلا شد.

یک مطلبی عرض کنم: یک نقضی مرحوم آخوند کرده است به برهان امتناع شرط متأخر، فرموده: اینکه می گوئید تأثیر معدوم در موجود لازم می َآید، مثلا غسل در شب که هنوز موجود نیست بخواهد تأثیر بگذارد در صحت صوم در روز. خب شرط متقدم هم همین جرم را مرتکب شده است. چرا؟ برای اینکه شرط متقدم هم مثل غسل شب قبل در غسل مستحاضه، خب غسل شب قبل در روز که نیست معدوم شد. این غسلی که در شب موجود بود و در روز معدوم شد می خواهد در روز تأثیر بگذارد در صحت صوم. شب که این زن غسل کرد هیچ صدای طبلی به گوش نرسید، گفتند صبر کنید فردا صدای طبل به گوش می رسد. فردا که شد و این زن روزه گرفت می خواهد صدای طبل در بیاید، خب چه طبل را چه کسی می خواهد بنوازد؟ غسل دیشب. غسل دیشب مرد.

محقق اصفهانی ره جواب داده فرموده شرط متقدم اصلا معدّ است. معدّ که لازم نیست در هنگام وجود معلول موجود باشد. جلوس در این مکان شرط متقدمش از در وارد شدن است. خب الان که موقع نشستن شما در این مکان دیگر از در وارد شدن معدوم شده است. او معدّ است. لازم نیست در هنگام جلوس شما در این مکان موجود باشد. معدّ شأنش این است که معلول را نزدیک می کند به وجود. همین.

ولذا این اشکال شرط متقدم و این نقض مرحوم آخوند درست نیست. شرط متقدم معدّ است آماده می کند این زن مستحاضه را تا نزدیک بشود با اینکه صومش افاضه الهیه بر درون او بتابد.

اقول: این فرمایش محقق اصفهانی خوب است، ولی باید ایشان اینجور تحلیل می کرد که: آن غسل در شب ایجاد می کند یک حالت نفسانیه ای را در این زن، که در حقیقت آن حالت نفسانیه شرط مقارن است. آن غسل در شب معدّ است برای تحقق یک حالت نفسانیه در این زن. این حالت نفسانیه در این در روز هم با او هست. واین حالت نفسانیه شرط مقارن است. در کنار صوم این مستحاضه که قرار گرفت تأثیر می گذارد در اینکه این صوم مستحاضه ایجاد کند آن اثر خودش را.

پس شرط متقدم از نظر فلسفی یعنی معدّ برای ایجاد یک اثری که آن اثر یبقی الی زمان تحقق المعلول. وآن اثر شرط مقارن است. جناب محقق اصفهانی فرمایش شما توجیهی غیر از این حرف ندارد. اینکه می فرمایید شرط ممکن است معدّ باشد، خب این شرط از اجزاء علت تامه هست یا نیست؟ چه جور می شود این شرط که از اجزاء علت تامه معلول است در هنگام تحقق معلول موجود نباشد. توجیهش همین است که گفتیم این شرط متقدم خیال می کنید شرط است، هو المعدّ لتحقق اثر ویبقی ذلک الاثر الی زمان تحقق المعلول. آن اثر در حقیقت شرط مقارن است و آن شرط متقدم معدّ است برای او.

در امور تکوینیه هم هست. اول می گویند یک ساعت قبل از ورزش شما این قرص را بخور بعد ورزش کن تا خوب بشوی. اگر قرص نخوری یک ساعت قبل، این ورزشی که می کنی با این انرژی کم شما را مریض تر می کند. ویتامین بخور یک ساعت قبل از ورزش، نه همین موقع ورزش. به قول حضرت امام قده که می فرمود حاج شیخ ره به طلبه ها می گفت جو پای گدار است، یعنی همین موقع مطلب اشکال به ذهنتان می آید. ولی من رفته ام قبلا فکر کرده ام الان می آیم می گویم. پس گاهی شرط متقدم این است. شرط متقدم باید ساعتها قبل موجود بشود تا پخته بشود. همین موقع بخواهد شرط موجود بشود اثر ندارد. جو پای گدار، این اسب را که الان رسیده سر گردنه تا حالا به او غذا ندادی حالا می گوئی ضعف دارد این اسب بیچاره من، جو را باز می کند به این اسب می گوید بخور تا از این گردنه بتوانی بروی بالا. خب اینکه به درد نمی خورد. باید از چند روز قبل آماده اش بکنی. به این می گویند شرط متقدم.

این شرط متقدم در همین مثال قرص ویتامین ایجاد می کند انرژی را در بدن این شخص. این انرژی با آن ورزش دست به دست هم می دهد ایجاد می کند سلامتی را برای این بیمار.

پس شرط مقارن شد آن انرژی که یستمر الی زمان ورزش. وآن قرص ویتامین در حقیقت شرط نیست معدّ است برای تحقق این اثر معین. ولذا هیچ اشکالی ندارد.

# یقع الکلام فی تقسیمات الواجب

## تقسیم اول (واجب مطلق و مشروط)

التقسیم الاول: تقسیم الواجب الی الواجب المطلق والمشروط. إن عطشت فاشرب ماءا. مشهور می گویند الان وجوبی نیست. عطش پیدا بکن تا بعد وجوب شرب ماء فعلی بشود.

مرحوم شیخ انصاری رضوان الله در مطارح الانظار از ایشان نقل می کند و در کتاب مقامع هم مقرر ایشان صاحب کتاب مقامع الاصول نقل می کند از ایشان، در کفایه می گوید نسب الیه، محقق رشتی هم در بدائع الافکار می گوید کأنه قال شیخنا الاعظم، دیگر تحقیق بیش از این فکر نکنم لازم باشد، به هر حال مطلبی به شیخ انصاری ره نسبت داده شده توسط دو مقرر بزرگوار، که ایشان گفته من واجب مشروط را قبول ندارم.

ما هم میگوئیم خدا رحمتت کند درست فرمودید که انکار کردید واجب مشروط را. ولذا ما از اول نرخمان را تعیین می کنیم در این بحث دنبال تثبیت فرمایش شیخ انصاری هستیم و از همه اشکالات بر ایشان سعی داریم جواب بدهیم.

ببینیم مرحوم شیخ چه می گوید. حرفش این است که می گوید إن عطشت فاشرب ماءا، الان واجب است بر تو، اما چی واجب است؟ شرب الماء علی تقدیر العطش. الان واجب است. متعلق وجوب شرب الماء علی تقدیر العطش هست.

این را هم عرض کنم من در این دوره دیدم ما که خلاف مشهور شدیم و می خواهیم از شیخ دفاع کنیم آیا کسی هم از ایشان دفاع کرده است؟ دیدیم تقریرات مرحوم آقای داماد که چاپ شده به نام المحاضرات، دیدم ایشان هم فرموده الحق مع الشیخ، و مشهور (قمیا و نجفیا) اشتباه کرده اند.

مرحوم شیخ دو دلیل بر فرمایش خودش اقامه کرده است:

دلیل اول: خلاصه فرمایش ایشان این است که می گوید: مولا وقتی ملتفت می شود به شرب الماء، می بیند شرب الماء مصلحت دارد. اما مصلحت مطلقه ندارد. إشرب ماءا. طرف می گوید عطش ندارم، می گوید إشرب ماءا. مصلحت ندارد که آب را بخوری و نفخ کنی. عطش نداری. پس مصلحت شرب الماء مصلحت مشروطه به تحقق عطش است. مولا الان که می بیند شرب الماء مصلحت مشروطه به شرب الماء عند العطش دارد، لامحالة شوق پیدا می کند به شرب ماء توسط مکلف علی تقدیر العطش. محال است مولا ببیند که مصلحت دارد شرب الماء علی تقدیر العطش واراده این مولا هم تابع مصالح است، بگوید بنده هیچ شوقی نسبت به شرب الماء علی تقدیر العطش ندارم. بعد از اینکه تو عطش پیدا کردی آنوقت شوق پیدا می کنم به شرب ماء تو.

می گوئیم مولا اگر راست می گوئی پس چرا اینقدر با حرارت می گوئی یادت نرود که إن عطشت فاشرب ماءا؟ می پرسیم مولا تو که می گفتی من هیچ شوق ندارم الان به شرب ماء توسط تو، پس چرا اینقدر می خواهی با هر زبانی که شده به این مخاطب برسانی این مطلب را. معلوم است که شوق داری. و الا اگر شوق نداشتی به شرب الماء علی تقدیر العطش، شوق تبعی پیدا نمی کردی به ایصال این خطاب به مکلف.

مرحوم شیخ می گوید در اراده تکوینیه هم همینطور است. می گوئی إن مرضتُ فأشرب دواءا یا إن عطشت فأشرب ماءا. خب الان شوق داری به شرب الماء علی تقدیر العطش. شاهدش این است که اگر بدانی اگر بروی سفر عطش پیدا می کنی از همین الان آب شیرین بر میداری از قم می بری تهران، که در بین راه اگر عطش پیدا کردی آب بخوری. خب اگر تو الان شوق نداری به شرب الماء علی تقدیر العطش ویک آدم بی تفاوتی هستی، پس چرا اینقدر اصرار می کنی که آب یادتان نرود می خواهیم در راه اگر عطش پیدا کردیم آب بخوریم. معلوم می شود شوق داری. اگر الان بی تفاوت هستی به شرب ماء و شوق نفسی نداری به شرب ماء، پس چه جور شوق تبعی پیدا می کنی به اخذ ماء با خودت؟

اشکالاتی به این وجه مرحوم شیخ کرده اند. تأمل بفرمائید تا فردا.